



معاونی: معدود مجموعه‌هایی را می‌توان سراغ داشت که
مشاغل نویسندگان و خبرنگار نه فقط به عنوان بخشی از رنگ آمیزی
و تکمیل پازل هویتی کاراکتر که در چگونگی پیشبرد درام
و شکل‌گیری نقاط عطف داستان موثر بوده‌اند

در آستانه روز قلم نگاهی داریم به شخصیت اهالی قلم در سریال‌های تلویزیونی

قصه صاحبان قلم در قالب سریال‌ها

نویسنده و خبرنگار نه فقط به عنوان بخشی از رنگ‌آمیزی و تکمیل پازل هویتی کاراکتر بلکه در چگونگی پیشبرد درام و شکل‌گیری نقاط عطف داستان موثر بوده‌اند، سریال‌هایی که به واسطه همین نقطه تمایز مهم حساب‌شان با دیگر آثار این فهرست کلی جد است. نزدیک شدن به روز قلم هم بهانه خوبی است تا بخشی از این شخصیت‌ها و قصه‌ها را مرور و واکاوی کنیم.

با نگاهی عمیق‌تر به فهرست سریال‌هایی که نقش‌های کلیدی آنها در موقعیت شغلی نویسنده و خبرنگار بوده‌اند می‌توان به تصویر دقیق‌تری از چگونگی شخصیت‌پردازی این قبیل نقش‌ها و موقعیت و وزن‌شان در درام دست یافت. در میان آثار یاد شده، معدود مجموعه‌هایی را می‌توان سراغ داشت که مشاغل

مازینا معاونی
منتقد تلویزیون
و سینما

«هزاران چشم» و گوش شنوا برای آلام مردم

مجموعه دیگری که پیشه کاراکتر اصلی آن در ارتباط با مقوله رسانه و قلم تعریف شده بود مجموعه دیدنی و البته قدر ندیده «هزاران چشم» ساخته کارگردان متفاوت سینما و تلویزیون یعنی کیانوش عیاری بود که در پاییز ۱۳۸۳ پخش می‌شد. در این مجموعه ارزشمند، مهدی هاشمی نقش سردبیر نابینای یک هفته‌نامه (آقای راوندی) را بازی می‌کرد که در هر اپیزود با خواندن نامه‌ای از سوی یکی از خوانندگان هفته‌نامه در رویکردی فانتزی در قالب قهرمان هر اپیزود فرو می‌رفت تا متن آن نامه سرگذشت به تصویر کشیده شود البته عیاری در ساختار روایی این مجموعه از فرم دوفراجمی استفاده کرده بود و آقای سردبیر در انتهای هر قسمت به زندگی شخصی و واقعی خودش باز می‌گشت تا مجال و زمینه دراماتیک لازم برای ورود به اپیزود بعدی فراهم شود ضمن این‌که همین بازگشت‌ها و شروع اپیزودهای بعدی که معمولاً با قرائت فرازهای آغازین نامه خواننده دیگری همراه بود خود تأکید موکدی بود بر نقش رسانه به عنوان ابزاری که فراتر و گسترده‌تر از خبررسانی و تحلیل و تفسیر می‌تواند همچون یک گوش شنوا در کاهش آلام مخاطبانش موثر باشد.

«مرگ تدریجی یک رویا»، داستان تفکر و قلم

پرننگ‌ترین مجموعه تلویزیونی از این منظر بی‌تردید اولین ساخته تلویزیونی فریدون جیرانی یعنی سریال «مرگ تدریجی یک رویا» است که در بهار و تابستان ۱۳۸۷ از طریق شبکه دوروی آنتن می‌رفت، مجموعه‌ای که دو پرسوناژ اصلی آن یعنی حامد یزدان‌پناه (دانیال حکیمی) و مارال عظیمی (سامیه لک) به عنوان دو نویسنده متعلق به دو جبهه فکری متفاوت، رودرروی هم قرار گرفته بودند در این مجموعه علاوه بر این دو کاراکتر، دیگر نقش‌های مکمل سریال از خواهر مارال (ستاره اسکندری) تا دوستان او (پری و هلن) و آریان (ناصر طهماسب) هم همگی در عرصه نویسندگی چهره‌های فعالی تصویر شده‌اند تا بن‌اندیشه اصلی و شاخص این مجموعه بر مبنای تفکر و قلم شکل بگیرد. البته سریال موضوعات دیگری همچون تقابل سنت و مدرنیسم، تعاریف متفاوت از مقوله روشنفکری و مواجهه فرهنگ گرم شرقی با دیدگاه موسوم به غرب‌زده را هم در بطن خود داشت ولی همه اینها زیر چتر اندیشه و بازتاب عینی آن یعنی «قلم و نگارش» جای می‌گرفتند.

بیداری با حبیب پارسا در «مدار صفر درجه»

کاراکتر شناخته‌شده و دوست‌داشتنی حبیب پارسا در سریال «مدار صفر درجه» ساخته حسن فتحی یکی دیگر از جلوه‌های حضور قلم و رسانه در میدان آثار نمایشی تلویزیونی بود. حبیب پارسا (با بازی تحسین برانگیز شهاب حسینی) در این مجموعه، به عنوان یکی از اعضای هیأت تحریریه هفته‌نامه «بیداری» در دفاع از کیان و میراث فرهنگی کشور در برابر تهاجم و سرقت متفقیین و صهیونیست‌ها نقش مهمی را ایفا می‌کرد. در این مجموعه هم همچون سریال کیف انگلیسی بخش قابل توجهی از بار درام بردوش وجهه مطبوعاتی قهرمان که تنها مشغله او هم به حساب می‌آمد، گذاشته شده بود، افزون بر شهاب حسینی، زنده‌یادان غلامرضا طباطبایی و مصطفی عبداللهی با بازی در نقش دیگر گردانندگان هفته‌نامه، دوز رسانه‌ای سریال را تقویت می‌کردند.

سرمقاله‌های تند و تیز در «کیف انگلیسی»

سریال شاخص دیگری که با مقوله نگارش و روزنامه‌نگاری ارتباط پررنگی داشت سریال خاطره‌انگیز «کیف انگلیسی» ساخته زنده‌یاد سیدضیاءالدین دری بود که در زمستان ۱۳۷۰ در کندانکتور چهارشنبه‌های شبکه یک روی آنتن می‌رفت. شخصیت اصلی این مجموعه، دکتر منصور ادیبان (با نقش آفرینی علی مصفا) بود که افزون بر حضور در عرصه سیاست از طریق حضور در مجلس شورای ملی، به واسطه شغل دوم خود یعنی سردبیری یک هفته‌نامه سیاسی و نگارنده سرمقاله‌های تند و تیز و خواندنی آن درام را جلو می‌برد. اشتغال این پرسوناژ در عرصه رسانه، مصداق شاخصی از بهره‌گیری از وجهه مطبوعاتی در جهت شخصیت‌پردازی و ایجاد موقعیت‌های نمایشی بود و همین ویژگی مهم ارزش این مجموعه از نظر پرداخت به مطبوعات به عنوان رکن چهارم دموکراسی را دوچندان می‌کند.

دو قصه پر از کلمه

اما دو سریال «پلیس جوان» و «شوق پرواز» را هم می‌توان در این فهرست لحاظ کرد. در هر دو سریال یک کاراکتر خبرنگار زن در بافت دراماتیک اثر لحاظ شده بود که در کار خود جسور و بی‌محابا بودند. در مجموعه پلیس جوان ساخته سیروس مقدم که زمستان ۱۳۸۰ پخش می‌شد مریلا زارعی نقش یک خبرنگار سمج را بازی می‌کرد که در کنار مأموران کلانتری سر صحنه‌ها حاضر می‌شد و سوزهای فرعی و البته خط اصلی سریال را کنج‌کاوانه دنبال می‌کرد. در مجموعه شوق پرواز به کارگردانی زنده‌یاد پدیا... صمدی که درست یک دهه بعد یعنی در پاییز و زمستان ۱۳۹۰ پخش می‌شد نیز ستاره اسکندری یک محقق - نویسنده پیگیر بود که در جهت تعمق بر زندگی شهید عباس بابایی و معرفی بیشتر و بهتر او از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کرد و حتی سلامتیش در جریان این پژوهش ارزشمند به مخاطره افتاد. هر دو سریال با انتخاب کاراکترهای خبرنگار زن، نوعی تقدیر از این قشر فداکار و کمتر دیده‌شده را هم در دستور کار خود قرار داده بودند که تحسین برانگیز بود.

شرح زندگی با قلم در «بدون شرح»

به کارگیری الگوی هفته‌نامه تنها به آثار جدی محدود نمی‌شد و ۲۰ سال پیش از این، در قالب سریال طنز «بدون شرح» به آن پرداخته شد. در این مجموعه به یادماندنی زنده‌یاد فتحعلی اویسی (در نقش آقای کاووسی سردبیر هفته‌نامه شهر قشنگ) مجموعه بامزه‌ای را مدیریت می‌کرد که بازیگرانی چون امیر جعفری، امیر نوری، فلاک جندی، بیژن بنفشه‌خواه، محمود بصیری و مهدی صباپی نقش کارکنانش را ایفا می‌کردند. هرچند در این مجموعه بنا به اقتضای کم‌دی آن، مباحث رسانه‌ای وزن زیادی نداشت و روایت بیشتر حول و حوش طنزهای کلامی و موقعیت دور می‌زد. اما به هر حال همین که محیط یک هفته‌نامه و مناسبات روزمره آن از جمله مشکلات انتخاب سوزنه تا چالش‌های اقتصادی گریبانگیر آن که از معضلات همیشگی مطبوعات مستقل است مدنظر قرار گرفته بود به کار ارزش ماهوی می‌بخشید.

خبر و در یک نگاه کلی «قلم» و «رسانه» پرننگ و پیشبرنده بودند، ویژگی‌های خوبی که می‌توان امیدوار بود در سریال‌های امروزی تلویزیون نیز همچنان مورد توجه قرار بگیرند.

به جز اینها، در آثاری چون «همسفر/ ساخته قاسم جعفری»، «داستان یک شهر/ ساخته اصغر فرهادی»، «با من بمان/ ساخته زنده‌یاد حمید لبخنده» و... هم مقولات نگارش، تهیه و تنظیم